

بررسی سیر کاربست تزیینات در عرصه عمومی سکونتگاه‌های تاریخی (نمونه موردی: بندر لافت)

مهران علی الحسابی*، ابوالفضل قربانی**

1393/12/27

تاریخ دریافت مقاله:

1394/12/18

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

بررسی منظر سکونتگاه‌های اسلامی و چگونگی کاربست نقش مایه‌ها و عناصر تزیینی، در عرصه عمومی آن‌ها را می‌توان گم‌شده دیرین پژوهش‌های تاریخی دانست، آنچه مبین عقاید مذهبی و ساخت اجتماعی - اقتصادی دین اسلام به‌عنوان یک سنت فراگیر متحد است. اما این موضوع، گاه در وصف سطوح تزیینی عرصه داخلی از نظر پنهان مانده و گاه با تعبیری چون "عدم توجه به ظاهر بنا در معماری اسلامی" از پیگیری آن صرف‌نظر شده است. پنهان ماندن آموزه‌ها و ریشه‌های غنی این موضوع، علاوه بر آن‌که ما را از دستیابی به مرجعی مستقیم در حل بحران‌های بصری سکونتگاه‌های امروزی باز می‌داند، از رهگذر آشفتگی‌های بصری، موجب تأکید بر تمایزات مالی و تفرق اجتماعی می‌شود. این پژوهش بر آن است تا با شناسایی و معرفی تزیینات به‌کار رفته در بندر لافت به‌عنوان نمونه‌ای از سکونتگاه‌های دارای بافت تاریخی کشور که به‌واسطه موقعیت جغرافیایی خود تا حدودی از هجوم تحولات کالبدی گریخته است، نحوه و سطوح کاربست تزیینات در بافت کهن آن‌را بررسی نماید. روند این پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای شروع و در پی آن به برداشت نمونه‌ها با استفاده از مطالعات میدانی پرداخته شده است. مطالعات و تحلیل‌های پایه صورت گرفته در روستای لافت بیانگر وجود شباهت‌ها فرمی در تزیینات به‌کار رفته بر عناصر کالبدی تأثیرگذار در سیمای بصری بافت بوده است. جهت دریافت تأثیر این تشابه از جنبه کالبدی و اجتماعی، سیر کاربست تزیینات در بافت کهن لافت در دو سطح کلیت بافت و مقیاس بنا مورد بررسی قرار گرفته است. سپس وجه معنوی این تزیینات نیز به‌واسطه وحدت جدایی‌ناپذیر مابین دو عرصه صورت و معنا در هنر ساخت اسلامی، مورد کاوش قرار گرفته است. یافته‌های نهایی این تحقیق مبین این مطلب است که استفاده از تزیینات در بافت کهن لافت براساس حوزه دید انسان، دارای سطوح کاربست متفاوتی بوده و در یک سیر تسلسلی جلوه خاصی را برای این بافت‌ها فراهم کرده است. این بررسی همچنین نشان می‌دهد که مفهوم وحدت اجتماعی به‌عنوان یکی از اصول کلیدی اسلام که در کلیت خود بیانگر تأکید بر شباهت و دوری از تمایزات مالی و اجتماعی است، یکی از بنیادی‌ترین عوامل مؤثر بر سازمان بصری بندر لافت می‌باشد.

واژگان کلیدی: لافت، سکونتگاه‌های اسلامی، عرصه عمومی، تزیینات، وحدت اجتماعی.

* دکترای طراحی شهری، استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علم و صنعت ایران. a.ghorbani@au.ac.ir

مقدمه

به نظر می‌رسد کاربرد واژه تزئین در سیر بررسی‌های تاریخی حوزه معماری و شهرسازی اسلامی با واژه اندرون گره خورده و سطوح تزئینی خارجی بنا حتی در پایین‌ترین سطح خود به فراموشی سپرده شده است. به‌همین دلیل زمانی که از شهر یا روستایی به‌عنوان فضای سکونتگاهی اسلامی نام برده می‌شود، آنچه در ذهن متبادر می‌شود، جداره‌هایی ساده، رو به عرصه عمومی است که صرفاً جنبه کارکردی داشته و از جلوه‌های بصری تهی هستند. اما باید توجه داشت که «اگرچه کالبد این سکونتگاه‌ها با مصالح معدود و محدودی بنا می‌شد، اما تنوع اشکال، تناسبات و احجام سبب می‌شد تا کالبد حاضر عاری از یکنواختی و خسته‌کنندگی باشد» (نقی‌زاده، 1387، ص 90). بنابراین می‌توان با بررسی احجام و عناصر کالبدی تأثیرگذار در منظر این بافت‌ها، به نحوه و سطوح کاربری تزئینات در عرصه عمومی سکونتگاه‌های تاریخی پی برد.

شرح مسئله

فقدان بررسی‌های مستدل در زمینه عناصر و نقش‌مایه‌های تزئینی در عرصه عمومی شهرها و روستاهای تاریخی کشور سبب شده تا از دستیابی به پیشینه‌ای متقن برای ارائه الگویی مناسب جهت ساماندهی سیمای بصری عرصه سکونتگاهی امروز باز بمانیم که فقدان آن با توجه به خیل عظیم ساخت‌وسازها موجب نابسامانی سیمای بصری سکونتگاه‌های معاصر شده است. این مقاله با هدف کمک به ارائه الگویی مؤثر در نحوه ساماندهی عناصر تزئینی به‌کار رفته در جداره‌های شهری معاصر، به بررسی منظر بندر لافت می‌پردازد که به‌عنوان یکی از سکونتگاه‌های تاریخی کشور کمتر مورد مداخله قرار گرفته است.

پرسش‌های تحقیق

1. نوع نقش‌مایه‌ها، نحوه و سطوح کاربری تزئینات در بافت کهن بندر لافت چگونه است؟
2. آیا می‌توان ارتباطی مابین تزئینات سطوح مختلف کالبدی در عرصه عمومی مشاهده کرد؟
3. نحوه تأثیر اندیشه و مفاهیم ارزشی دین مبین اسلام بر نقش‌مایه‌ها و سطوح تزئینی در بافت کهن بندر لافت چگونه است؟

روش تحقیق

نظر به پژوهش‌های معدود صورت گرفته در خصوص بندر لافت، نخست اسناد کتابخانه‌ای برای تدوین چهارچوب نظری موضوع، بررسی شد و سپس جهت وصول به اهداف مورد نظر از روش تحقیق اکتشافی استفاده گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی به مشاهده بستر روستا و ثبت نمونه‌ها و نیز مشخص کردن گونه‌ها اقدام شد. در این بین جهت اطمینان از صحت اطلاعات برداشت شده و عدم وقوع تغییر عمده کالبدی (به‌خصوص با اجرای طرح هادی و بهسازی)، مصاحبه‌هایی با مسئولان امر و اهل فن صورت گرفته است. در نهایت، اطلاعات گردآوری شده اعم از کتابخانه‌ای و میدانی با روش توصیفی-تحلیلی جمع‌بندی شده و نتیجه آن ارائه گردیده است.

مبانی نظری

تزئینات و مبانی کاربری آن در دین مبین اسلام

در مورد تزئینات در معماری کهن سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران بسیار سخن گفته‌اند، درحالی‌که از بسط این موضوع در حوزه شهری به دلایل گوناگونی اجتناب شده است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل آنرا باید تأکید دین مبین اسلام بر تواضع و فروتنی، به‌خصوص در عرصه جمعی دانست. اما باید توجه داشت که اندیشه اسلامی تزئین را به‌طور کامل نفی نکرده است، بلکه

می‌گردد، آنچه در این راستا اهمیت دارد این است که بهره‌گیری از تزئینات نباید با زیاده‌روی و اسراف همراه گردد. در این راستا اسلام تفاخر و غرور را نهی و نفی نموده و بالعکس تواضع و فروتنی را که سبب یکپارچگی بیشتر اجتماعی می‌شود توصیه می‌کند. این تکلیف، به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم و در دفعات بسیار در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است (مرتضی، 1387، ص 70)، آنچه باید مورد توجه قرار گیرد آن است که به‌کارگیری تزئینات در عرصه‌های عمومی در عین رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی، نه تنها با فرهنگ و توصیه‌های این مکتب تعارضی ندارد، بلکه بررسی مصادیق آن در معماری و شهرسازی سنتی این سرزمین، آموزه‌هایی ارزشمند در پیش روی ما فراهم ساخته که آگاهی به کم و کیف آن‌ها طراحان و دانش پژوهان شهرسازی را در یافتن راه‌های نوین راهنمایی خواهد نمود.

منظر سکونتگاه‌های اسلامی و مبانی ادراک آن‌ها

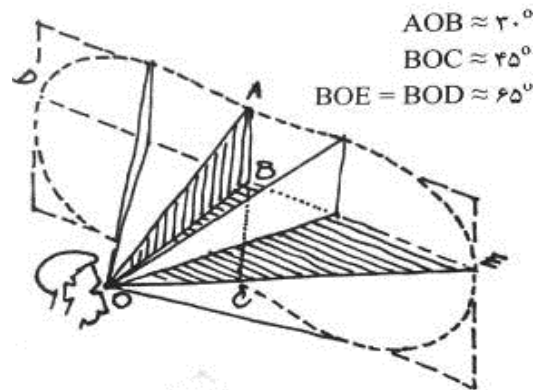
منظر را می‌توان جنبه عینی و یا قابل ادراک محیط دانست، آن بخش از اطلاعات محیطی بالقوه که به کیفیتی مستقیماً محسوس (یا اطلاعات بالفعل) تبدیل می‌شود (پاکزاد، 1389، ص 101). مناظر سکونتگاه‌ها به‌عنوان سطح تماس انسان با پدیده شهر و یا روستا قادرند نفوذ ارزش‌های مذهبی را به نمایش بگذارند و یا سلطه نهادهای سیاسی، اقتصادی و .. را بیان کنند (گلکار، 1390، ص 168). برای مثال کالبد همگن، هماهنگ و متعادل یک شهر که عاری از تسلط عناصر مادی و یا اظهار تشخص انسان‌ها توسط عمارت باشد، تأثیر بسزایی در احساس وحدت و همراهی و همدلی و تجانس اهل شهر خواهد داشت (نقی‌زاده، 1387، ص 77). سکونتگاه‌های تاریخی ایران دارای بافت و کالبد هماهنگ و بدون تفاخر و تمایزات خودستایانه مادی بوده‌اند. بارزترین ویژگی این بافت‌ها جداره ساده و یکنواخت

تعظیم و تزئین آنچه را که معنوی و الهی و موجب توجه بیشتر انسان به مسائل روحی و معنوی است، توصیه می‌نماید (نقره‌کار، 1387، ص 617). در تحلیل هنر و معماری اسلامی نقش تزئین به‌عنوان وسیله‌ای برای شرافت بخشیدن به ماده تا به افق‌های برتر اعتلا یابند، رنگ و هویت معنایی و نهایتاً شخصیت فوق طبیعی بیابند و معنوی و الهی شوند یک نقش محوری است (میشل، 1388، ص 161 و دوپولو، 1368، ص 66). به‌همین سبب تزئینات جزء لاینفک معماری اسلامی است و بخش عمده‌ای از تلاش‌های طراحان در معماری و شهرسازی گذشته ایران به تزئینات اختصاص یافته و اثربخشی وسیع و ارزشمندی در راستای اهداف معماری اسلامی و حتی در شکل‌گیری و دوام و بقای آن دارد. این تزئینات می‌تواند شامل کوچک‌ترین اجزای معماری با کاربرد انواع مصالح در ساده‌ترین صورت ممکن تا کلی‌ترین و عمده‌ترین بخش‌های معماری مانند گنبدها، منارها و ... با انواع و اقسام مصالح در پیچیده‌ترین شکل‌های مختلف هندسی و انتزاعی با روش‌های گوناگون باشد (مکی نژاد، ص 1381). با توجه به تأثیر بصری بسیاری از این عناصر و احجام در عرصه پیرامونی خود، می‌توان دریافت که تزئینات در حوزه معماری اسلامی فقط به غنا و پیچیدگی آن در فضای داخلی و در مقیاس یک بنا محدود نمی‌شود و دارای نقش‌ها و جلوه‌های بصری خاصی در عرصه پیرامونی خود نیز می‌باشد.

روشن است که بروز و کاربست تزئینات در عناصر تأثیرگذار بر عرصه عمومی از اهمیتی دوچندان برخوردار است، زیرا هم‌پیوندی، انسجام و هماهنگی عناصر تزئینی با یکدیگر سبب یکپارچگی بصری بافت شده و دلپذیری محیط و حس تعلق به آن را افزایش می‌دهد. به‌علاوه تعادل در استفاده از نقش مایه‌ها و عناصر تزئینی موجب ارتقای کیفیت‌های بافت کالبدی و غنا و هویت محیطی

آن‌ها به سمت فضای عمومی بود. در عین این سادگی و هماهنگی، استفاده از فرم‌های متنوع و احجام متفاوت نیز یکنواختی حاصل از محدودیت مصالح این بافت‌ها را منتفی می‌نمود (نقی‌زاده، 1387، ص 120).

از سویی باید توجه داشت که هر فرد در مواجهه با محیط خود با انبوهی از اطلاعات بالقوه رو به روست که تنها می‌تواند بخشی از آن‌را احساس کند و سپس ادراک نماید. (پاکزاد، 1389، ص 101). آنچه در ارتباط با منظر سکونتگاه‌ها و تنوع فرمی و شکلی آن‌ها در سطوح مختلف شایان توجه است، توانایی‌ها ادراکی چشمان انسان به‌عنوان زمینه ساز فرایند ادراک است. دو چشم انسان دارای یک میدان دید کلی و یک میدان دید جزئی است. میدان دید کلی شکل مخروطی نامنظم دارد که از بالا تا حدود 30 درجه، از پایین 45 درجه و از طرفین 65 درجه اندازگیری می‌شود و در آن شکل کلی اشیا قابل درک است. در میدان دید جزئی که مخروطی بسیار باریکتر حدود 2 تا 5 درجه داخل میدان دید کلی است جزئیات اشیا را می‌توان مشاهده کرد. (توسلی، 1390، ص 49 و پاکزاد، 1390، ص 31). بر این مبنا تحلیل و بررسی سطوح مختلف تزیینی در عرصه عمومی سکونتگاه‌ها می‌بایست در ارتباط مستقیم با نحوه ادراک چشمان انسان و تفکیک دو گونه دید فوق باشد.



ت 1. حوزه دید کلی و جزئی چشمان انسان. منبع: توسلی، 1390، ص 49.

محدوده مورد مطالعه

موقعیت جغرافیایی

بندر لافت یکی از مراکز جمعیتی دهستان سلخ در شهرستان قشم می‌باشد که در محدوده 55 درجه و 46 دقیقه طول شرقی و 26 درجه و 56 دقیقه عرض شمالی قرار دارد. لافت از لحاظ تقسیمات اقلیمی تابستانی ایران در منطقه خیلی گرم و مرطوب و از لحاظ تقسیمات زمستانی در منطقه گرم و مرطوب قرار گرفته و دارای بیشینه دمای مطلق 46 درجه و کمینه صفر درجه سانتی‌گراد است (لیلان، عابدی و امیرخانی، 1389).

موقعیت بندر لافت (تصویر شماره 2) در دماغه شمالی جزیره قشم و در نزدیک‌ترین فاصله با ساحل ایران و عمق کم آب در این نقطه، از زمان‌های بسیار دور به این بندر اهمیتی خاص بخشیده است (امت علی، 1383).

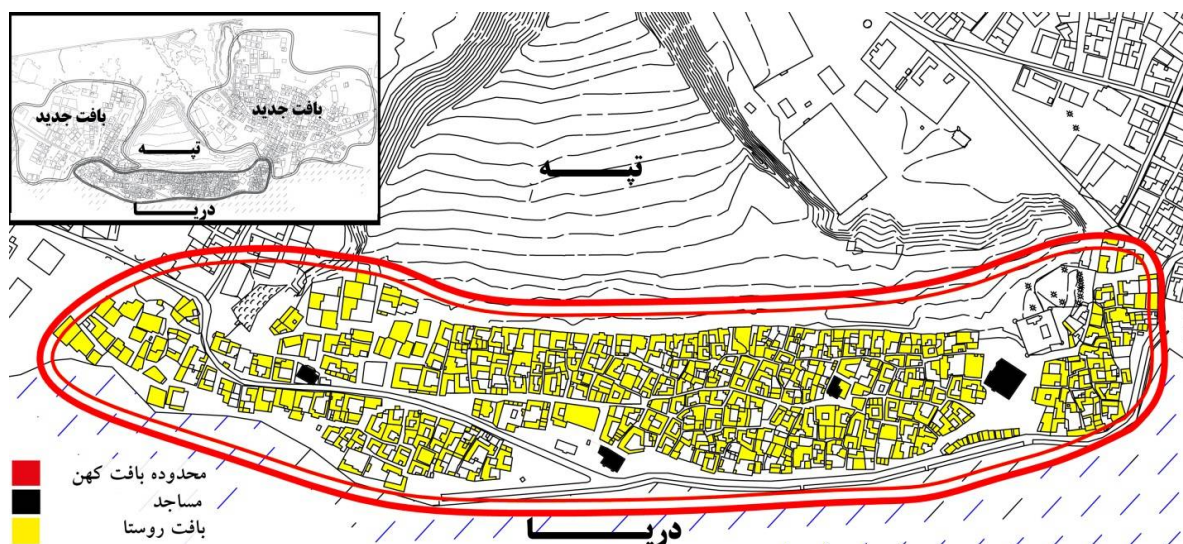


ت 2 موقعیت مکانی روستای لافت در جزیره قشم. منبع: نقشه گردشگری، سازمان منطقه آزاد قشم.

کلیاتی در مورد لافت و معماری کهن آن

بخش اصلی بندر لافت که هسته اولیه و بافت کهن آن‌را شامل می‌شود، در کنار دریا و بر دامنه کم شیب تپه‌ای واقع شده است. عرض این بخش از بافت حدود 200 متر و طول آن حدود 1200 متر بوده و متوسط شیب بستر آن در این حوزه حدود 5 درصد می‌باشد (طرح هادی لافت 1380، ص 32). وجود مساجد متعدد

(4 مسجد از 7 مسجد لافت) در بافت قدیم که یکی از شاخصه‌های کالبدی این بافت است در عمل محله‌هایی را در طول آن تعریف کرده‌اند (گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، 1380، ص 10).



ت 3. بندر لافت و محدوده بافت کهن آن. مساجد از راست به چپ: مسجد جامع، مسجد میانی، مسجد لب آب، مسجد کبکان. منبع: طرح هادی بندر لافت 1380.

می‌کند (گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، 1380، ص 12).



ت 4. دور نمایی از بندر لافت.

منبع: www.iranloft.permontsoft.com

شکل کلی معماری بندر لافت، متأثر از معماری نواحی مرکزی ایران است (دهپور، 1390). در این کناره اکثر ساختمان‌ها نیمه درون‌گرا هستند و اتاق‌ها در اطراف یک حیاط مرکزی قرار دارد (پورجعفر و دیگران، 1390).

بافت کهن بندر لافت بافتی ارگانیک، مترکم و تا حدی فرسوده است. فشردگی بافت ناشی از قطعات کوچک زمین و اختصاص بخش عمده این قطعات به ساختمان است. نکته قابل بررسی، شکل‌گیری بافتی با ارزش است، از مجموعه واحدهایی که به تنهایی واجد ارزش خاصی نمی‌باشند. این نکته به‌ویژه در مورد واحدهای مسکونی صدق می‌نماید. زیرا این واحدها عموماً بناهایی ساده، روستایی و با تزییناتی اندک هستند (تصویر شماره 4) اما در بسیاری از این بناها عناصر معماری، نظیر بادگیر وجود دارد که موجب ارزش عمده بافت است (امت علی، 1383) و تأثیر بسزایی در منظر این روستا دارد. در بافت قدیم لافت، سیمای عمومی منظره‌ای اخزایی رنگ با بافتی فشرده و کوچه‌هایی کم عرض است که عنصر شاخص عمودی - بادگیر - در آن جلب توجه

تزئینات

در ابتدا می‌بایست به این نکته اشاره کرد که از دو جنبه گوناگون می‌توان به مبحث تزئینات در عرصه سکونتگاه‌های تاریخی قلمرو اسلامی پرداخت. نخست استفاده از تفاوت در بافت؛ یعنی بهره‌گیری از تضاد موجود بین مصالح همچون سنگ، آجر، چوب، گچ و کاشی‌کاری برای تزئینات (هیل براند، 1391، ص 10) که به واسطه پیچیدگی ترکیب و تنوع مصالح، در گستره این نوشتار نمی‌گنجد و خود به مطالعات دیگری احتیاج دارد. اما وجه دوم که موضوع این پژوهش را تشکیل می‌دهد استفاده از نقش‌مایه‌ها و فرم‌های گوناگون، تکرار و تکثیر آن‌ها به‌عنوان عناصر تزئینی است. این وجه از کاربست تزئینات، با توجه به مبانی دین مبین اسلام و تأثیرات بصری شاخص این فرم‌ها در منظر عرصه سکونت، از اهمیتی خاص برخوردار است. در این راستا با توجه به وحدت جدایی‌ناپذیری که بین صورت و معنا در حوزه معماری اسلامی وجود دارد و برای جلوگیری از پرداختن به مرتبه صرف مادی که غالباً موجب غفلت از مراتب بالاتر (و آنچه در پس و بطن این ظاهر است) می‌شود (بهشتی، 1387، ص 19)، تزئینات به‌کار رفته در لافت با دو رویکرد کالبدی و معنایی دسته‌بندی و بررسی خواهند شد. در بررسی‌های کالبدی نیز برای دوری جستن از جزء و یا کل بینی، سیر کاربست تزئینات در دو مقیاس کلیت بافت و مقیاس بنا مورد بررسی قرار گرفته است.

وجه کالبدی تزئینات در روستای لافت

تزئینات در کلیت بافت

همان‌طور که در تصویر شماره 3 مشاهده می‌شود بافت کهن بندر لافت متشکل از 4 مسجدی است که با بافت مسکونی احاطه شده‌اند. اما آنچه از این بافت در عرصه عمومی درک می‌شود، منار مساجد، بادگیرها و فضای

ورودی خانه‌ها (شامل، درب، سر درب و پیش تاق) و تزئینات به‌کار رفته در آن‌ها است. این عناصر براساس تأثیرات بصری که بر منظر کلی بافت می‌گذارد در 3 سطح خرد، میانی و کلان قابل تقسیم‌بندی هستند.

تزئینات به‌کار رفته در سطح خرد

مقصود از تزئینات به‌کار رفته در مقیاس خرد، نقوش و عناصر به‌کار رفته در ارتفاع مابین 1 تا 3 متر است که درب و سردرب فضاهای ورودی عرصه سکونت را شامل می‌شود. این فضا به‌واسطه عملکرد ویژه خود نظیر دعوت‌کنندگی، انتظار و گفت‌وگو مدت زمان بیشتری از حضور را طلب کرده و به‌واسطه کنش مستقیم با انسان دارای غنای بصری پیچیده و بیشترین جزئیات نسبت به سایر سطوح در بافت کهن بندر لافت است.

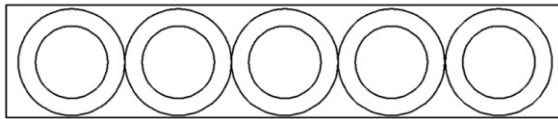
درب ورودی

تزئینات به‌کار رفته بر درب‌های ورودی ابنیه مسکونی در دو دسته "اجزا" و "نقش‌مایه تزئینی" قابل بررسی است. درب‌های قدیمی لافت همچون بسیاری از درب‌های معماری سنتی از اجزای متفاوتی مانند کوبه، گل‌میخ، پاشنه و لولا، چفت و بست و دستگیره تشکیل شده‌اند که ترکیب این عناصر با یکدیگر جلوه بصری درب‌ها را در عرصه عمومی تأمین می‌کند (تصویر شماره 5).



ت 5. نمونه‌ای از حکاکی و تزئینات موجود بر درب ورودی. منبع: نگارندگان، 1392.

سطح (تصویر شماره 7) از نمای خارجی هر بنا است (سلطان زاده، 1392، ص 95). اما در لافت به دلیل شرایط اقلیمی گرم و مرطوب و لزوم کوتاه بودن جداره‌ها جهت جریان هوا این نوع مرسوم از سردرب در فضای ورودی شکل نیافته و شاهد ترکیب این عنصر به صورت مقرنسی و یا چوبی با درب ورودی مطابق تصویر شماره 7 هستیم. بدین ترتیب علاوه بر خلق زیبایی بصری با حداقل اقدامات، امکان جریان هوا از فضای ورودی نیز فراهم شده است. البته باید توجه داشت که در کوچه‌های فرعی به دلیل کاهش عرض و عموماً کوچک مقیاس بودن درب‌های ورودی کمتر شاهد استفاده از این نوع سردرب هستیم.



ت 7. نمونه‌ای از سردرب‌های به کار رفته در بندر لافت. منبع: نگارندگان.

تزینات به کار رفته در سطح میانی

سطح میانی شامل کاربست تزینات بر عناصری است که از تأثیر کالبدی خاصی در عرصه شبکه معابر عمومی برخوردارند. تزینات در این مقیاس به واسطه ارتفاع کاربست نسبتاً بالای 2 تا 4 متر از سطح نقوش فراتر رفته و جهت نمایانی و درک بهتر، به صورت گچ کاری‌های فرمی ظاهر می‌شوند. مهم‌ترین عنصر موجود در این سطح در لافت پیش تاق فضای ورودی است که شاخص‌ترین عنصر ابنیه مسکونی در فضای عمومی و شبکه ارتباطی را تشکیل می‌دهد.

اما آنچه به این درب‌ها اهمیتی دو چندان می‌بخشد و عموماً در محدوده فضای ورودی قابل درک است، نقوش تزینی به کار رفته بر سطوح آن‌ها است. نقوشی که بر پایه اشکال اسلیمی، فرم‌های تجربیدی و صور طبیعی همچون خورشید، ماه و ستارگان، در قالب حکاکی بر سطوح درب‌ها نقش بسته‌اند (تصویر شماره 6). درک این ترکیب‌های تزینی غنی و پیچیده در محدوده فضای ورودی علاوه بر جلوگیری از جلب توجه بی‌مورد رهگذران به درگاه خانه، نقش خاصی نیز در عملکرد فضای ورودی به عنوان آخرین مرحله عبور از دنیای بیرون به اندرون دارد. به واقع ذهن مخاطب در فضای بیرون و قبل از ورود به بنا چهارچوبی عمومی دارد و شاید آمادگی لازم برای ورود به خلوت و حریم اندرون را نداشته باشد (مهدی پور، جعفری، سعادت، 1392). اینجاست که با لحظه‌ای مکث در درگاه عرصه خصوصی، ظرافت سطوح، ذهن را می‌رباید، تنش‌های ناشی از دنیای بیرون را کاهش داده و ذهن را آماده ورود به عرصه درون می‌کند.



ت 6. نمونه‌ای از حکاکی‌های موجود بر روی درب‌های ورودی. منبع: نگارندگان.

سردرب

بخشی از فضای ورودی که در فضای بالای درب قرار داشت، سردرب نامیده شده و معمولاً مزین‌ترین

پیش تاق

در بیشتر بناهای معماری و معماری - شهری، در ورودی بنا را بدون مقدمه و بی‌واسطه در سطح دیوار خارجی بنا تعبیه نمی‌کردند، بلکه آن‌را به صورتی طراحی می‌نمودند که از سطوح مجاورش به خوبی متمایز شود. بنابراین فضای ورودی، تنها بخش مهم در نمای اکثر بناها بوده که می‌توانست نقش یک عنصر شاخص و نشانه را ایفا کند. (سلطان‌زاده، 1392، ص 66). پیش تاق به صورت فضایی سرپوشیده و نیمه‌باز در جلوی درگاه ورودی می‌باشد (مهدی‌پور، 1392). پیش‌بینی پیش تاق درخانه‌ها و حتی بناهای عمومی لافت بسیار معمول بوده و در زمره اصول اصلی شکل‌گیری ابنیه به‌شمار می‌رود (تصویر شماره 8).



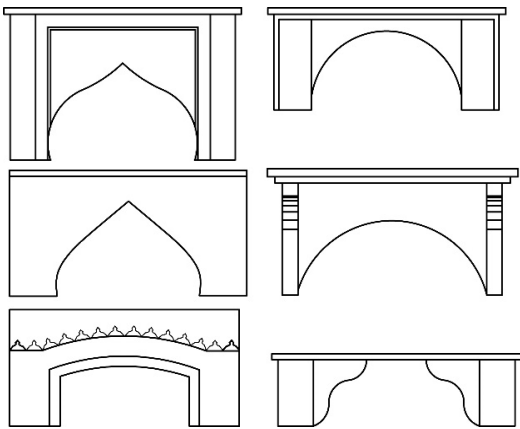
ت 8. سر درب‌های ورودی در لافت. منبع: نگارندگان، 1392.

نمای پیش تاق‌های لافت و حتی سقف آن با ترکیب‌های مشابهی از "قوس‌های تیزه‌دار و مازه‌دار"، "گچ کاری فرمی" و "ردیف‌هایی از مقرنس" نقش خورده‌اند. نمونه‌های برجسته بهره‌گیری از این فرم‌ها و نقش مایه‌ها را می‌توان در تصویر شماره 9 مشاهده کرد.

جداره حیاط و شبستان مساجد

مساجد به دلیل جامعیت، اهمیت، تعدد و جایگاه والایشان در شهرهای مسلمانان، از اصلی‌ترین عوامل هویت‌دهنده کالبدی همه مجتمع‌های زیستی مسلمانان اعم از شهرها و

روستاها بوده‌اند (نقی‌زاده، 1387، ص 161). فضاهای مذهبی، زیارتی و آموزشی همچون قطب و کانون و قلب تپنده محله‌ها و شهرها با شکل نمادین و پر جاذبه خود، چه از نظر حجم و چه از نظر مواد، مصالح، رنگ و نور از سایر عناصر شهری اوج می‌گرفتند و صبح و شام مردم را به معراجگاه می‌خواندند (نقره‌کار، 1387، ص 534). همانگونه که اشاره شد وجود مساجد متعدد یکی از بارزترین شاخصه‌های کالبدی بافت کهن بندر لافت بوده که در عمل محله‌هایی را در طول آن تعریف کرده است. متأسفانه 3 مسجد کهن بافت یعنی مسجد جامع، مسجد میانی و مسجد لب آب در دهه‌های گذشته تخریب و نوسازی گردیده‌اند. اما آنچه از بررسی تصاویر برجای مانده از مسجد لب آب به‌عنوان آخرین نمونه بومی مساجد قبل از تخریب می‌توان دریافت، وجود بازشوهایی تاقی شکل در جداره‌های آن است. هر چند این فرم به‌واسطه رواج بام‌های مسطح در اقلیم جنوبی ایران دارای کارکرد سازه‌ای نمی‌باشد، اما به‌عنوان یکی از المان‌های بصری شاخص مساجد اسلامی، با عملکردی نوین (تهویه طبیعی هوا) در کالبد مسجد به‌کار رفته و به آن تشخیص بخشیده است (تصویر شماره 10).



ت 9. سر درب‌های ورودی در لافت. منبع: نگارندگان.

البته این بخش تمامی عناصر عمومی همچون میدان‌ها، بازارها و مدارس را که دارای جداره‌های مؤثر بر عرصه

بصری، امکان ایجاد جریان هوا در فضای داخلی ابنیه مسکونی را در عین حفظ حریم بصری آن‌ها فراهم می‌کند (تصویر شماره 12).



ت 11. جایگاه‌ها ایجاد روشنایی در سطح بافت. منبع: نگارندگان 1392-1393.



ت 12. فخر و مدین و کاربست آن در جداره عرصه عمومی. منبع: نگارندگان، 1392.

تزئینات به‌کار رفته در سطح کلان

کاربست ترکیب‌های مشابه ساختی همچون سطوح میانی بر بدنه بادگیرها و منار مساجد سومین سطح به‌کارگیری تزئینات در بافت کهن روستای لافت را به نمایش می‌گذارد. ارتفاع 4-10 متری این عناصر سبب شده تا تزئینات به‌کار رفته در این مقیاس جهت حفظ تأثیر بصری، دارای بزرگترین ابعاد در میان سایر سطوح باشند.

عمومی هستند شامل می‌شود، اما به‌دلیل فقدان برخی از این عناصر در بندر لافت، مساجد به‌عنوان شاخص‌ترین این عناصر مورد اشاره قرار گرفته‌اند.



ت 10. فرم‌های تاقی شکل به‌کار رفته در بخشی از شبستان مسجد لب آب. منبع: گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، 1380، ص 10.

چراغدان و مشعلدان ها

از عناصر دیگری که در این مقیاس قابل مشاهده بوده و در سیر پژوهش‌های تاریخی کمتر بدان‌ها اشاره شده است، آتشدان‌ها و یا جایگاه‌ها ایجاد روشنایی در سطح بافت می‌باشد. این عناصر که علاوه بر وجه عملکردی دارای جلوه بصری خاصی نیز هستند به دو شکل متفاوت در سطح بافت به‌کار رفته‌اند. گونه‌ای با قرارگیری در سرسرای خانه‌ها وظیفه روشن نمودن عرصه مقابل آن‌ها را بر عهده داشته و گونه‌ای دیگر با قرارگیری در محل تقاطع‌ها، روشنایی این نقاط را فراهم می‌کرده‌اند. این عناصر عموماً محفظه‌هایی با فرم تاقی شکل با نوک تیز در قسمت فوقانی خود هستند که در جداره عرصه عمومی تعبیه شده‌اند (تصویر شماره 11).

شایان ذکر است که در این مقیاس، نوع خاصی از عناصر مشبک پیش‌بینی شده در ابنیه به نام "فخر و مدین" بر جداره عرصه عمومی یافت می‌شود که علاوه بر جلوه

بادگیر

بادگیرها نخستین عناصری هستند که با حضور در لافت مشاهده و آخرین خاطره‌ای هستند که فراموش می‌شوند (تصویر شماره 13). بادگیرهای بندر لافت را در ساده‌ترین حالت می‌توان برحسب تعداد دهانه‌هایشان تقسیم‌بندی نمود که گونه‌های دوطرفه و چهار طرفه با بلندای 4 و 10 متر را شامل می‌شوند. اگرچه گونه دوطرفه عموماً بدون تزئین و صرفاً دارای جنبه کارکردی هستند، اما غنی‌ترین و متنوع‌ترین تزئینات در لافت را می‌توان بر بدنه بادگیرها مشاهده کرد. تزئینات به‌کار رفته بر سطوح بادگیرها به سه دسته کلی قابل تقسیم است. نخست تزئینات به‌کار رفته در ستون بادگیر که شامل عناصر ساختی قوسی شکل و نقوش متنوعی مطابق جدول شماره 1 هستند. سپس گچ کاری‌های فرمی دهانه بادگیر با بن مایه‌های گیاهی و هندسی (ربع دایره، نیم دایره، شبدری و نقوشی مانند خورشید، ماه و ستارگان) که مهم‌ترین وجه تزئینات در این عنصر هستند. در سومین و رفیع‌ترین قسمت بادگیر نیز می‌توان اشکال گوناگونی به‌صورت مقرنس را مشاهده نمود که رو به آسمان دارند.



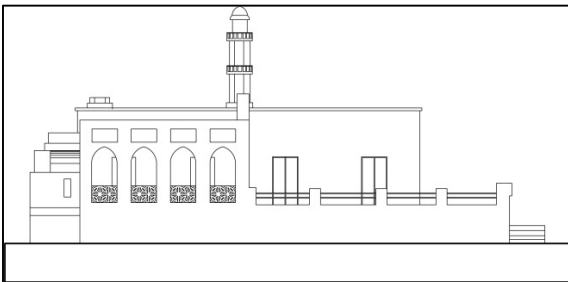
ت 13. نمایی از عرصه عمومی بافت کهن و تأثیر بصری بادگیرها بر آن. منبع: نگارندگان، 1392.

آنچه در این مقیاس شایان توجه است افزودن بر نقوش و تزئینات به‌کار رفته بر سطوح بادگیرها با افزایش ارتفاع آن‌ها است. چنان‌که بادگیرهای چهار طرفه سه چشمه

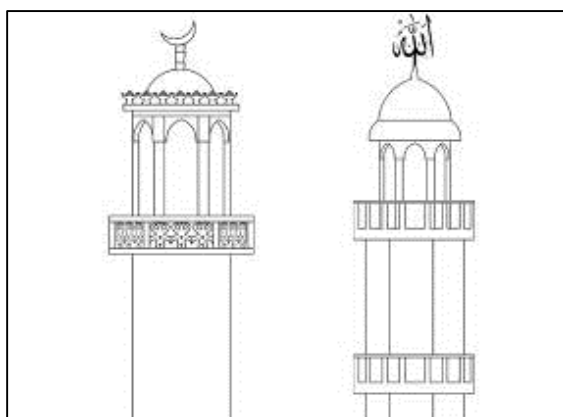
به‌عنوان بلندترین بادگیرهای موجود در لافت دارای بیشترین تزئینات بر سطوح سه گانه خود هستند. این مسئله نشان‌دهنده درک صحیح گذشتگان از تأثیر نامطلوب بصری عناصر بلند بر کالبد بافتی چنین فشرده و کم ارتفاع بوده است. بدین سبب با پوشاندن سطوح این عنصر عمودی با نقوش و فرم‌هایی تزئینی، از ارتفاع این عناصر بهره گرفته و همچون مجسمه‌های منقوش از آن‌ها برای خلق جلوه بصری بهره گرفته‌اند.

منار مساجد

متأسفانه 3 مسجد کهن بافت یعنی مسجد جامع، مسجد میانی و مسجد لب آب در سال‌های اخیر تخریب و نوسازی گردیده‌اند. اما آنچه از بررسی تصاویر برجای مانده از مسجد لب آب به‌عنوان آخرین نمونه بومی مساجد قبل از تخریب می‌توان دریافت، مقیاس انسانی این بنا، منار آن بوده است. منار کهن این مسجد (تصویر شماره 14) با ارتفاع 9,30 متر دارای عناصر ساختی قوسی شکل بر تاج منار به‌عنوان تزئین بوده که در بالاترین قسمت آن به یک گنبد کوچک تبدیل می‌شده است. البته این شیوه ساخت و تزئین منار را در میان مساجد بازسازی شده می‌توان در منار مسجد جامع مشاهده نمود که نمایانگر تقلید مطلوب از معماری بومی و حوزه پیرامونی در تجدید بنا می‌باشد. بدین سبب در کنار منار مسجد لب آب شمایی از این منار نیز ارائه شده است (تصویر شماره 15).



ت 14. مسجد تی آبی. منبع: گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران، 1380.



ت 15. از سمت راست؛ منار کهن مسجد لب آب و منار نوساز مسجد جامع. منبع از سمت راست: گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران، 1380. نگارندگان.

بادگیر	اجزا	تزیینات		
	سقف بادگیر			
	دهانه بادگیر			
	ستون بادگیر			

ج 1. نمونه‌هایی از گچ کاری‌های فرمی به کار رفته در بادگیر. منبع: نگارندگان.

چشم انسان دارای یک میدان دید کلی انسان (از بالا تا حدود 30 درجه، از پایین 45 درجه و از طرفین 65 درجه) و یک میدان دید جزئی (حدود 2 تا 5) است. در لافت کاربست تزیینات به گونه‌ای است که در ارتفاع 1 تا 2 متر که معمولاً بدون تکان دادن سر، در میدان دید جزئی قرار می‌گیرد، شاهد به‌کارگیری پیچیده‌ترین نقوش و عناصر تزیینی بوده و در ارتفاع 2 تا 10 متر که در

سیر تسلسلی نشانه‌ها در سطح کلان جدول شماره 2 با ارائه برخی از نقوش و ساخت مایه‌های تزیینی در عرصه عمومی بافت کهن بندر لافت، امکان مقایسه تزیینات به کار رفته در سه سطح فوق را فراهم می‌کند. نخستین چیزی که از این بررسی بدست می‌آید توجه به محدودیت‌های دید انسان در به‌کارگیری گونه‌های متفاوت تزیینات است. همانگونه که گفته شد

نشانگر سیر تسلسلی به کارگیری تزیینات در بافت کهن بندر لافت است. تسلسلی که به شکل گیری بافتی با جلوه های بصری شگرف و متنوع بدون تأکید بر تمکن مالی و موقعیت اجتماعی مردمان آن انجامیده است.

میدان دید کلی قرار می گیرد، برای درک عناصر تزیینی، ابعاد و تنوع فرمی آن ها افزایش یافته است. سپس می توان به تزیینات خرد مقیاس و مشابه از درب های ورودی تا بلندای بادگیرها و منار مساجد اشاره کرد که

سطح کلان		منار	4-10m	نما			
سطح میانی		بادگیر	2-4m				
سطح خرد		درب سردر	1-3m				

ج 2. سیر تسلسلی استفاده از تزیینات در بافت کهن بندر لافت. مأخذ: نگارندگان.

مقرنس‌های به‌کار رفته بر فراز آن است. در نهایت نقش مایه‌های به‌کار رفته بر درب ورودی بنا را می‌توان با انحنای گچ کاری‌های فرمی دهانه بادگیر مقایسه کرد. در این مقیاس نیز با پرهیز از ایجاد فرم‌ها و نقش مایه‌های مسلط و سلطه‌گر که به نوعی بر تفاوت‌ها تأکید می‌کنند، بناهایی با جلوه‌های بصری با شکوه و در عین مردم‌وار ایجاد شده است.

وجه معنوی تزیینات در بندر لافت

از آنجا که سکونتگاه‌ها (اعم از کالبد، منظر و سازمان فضایی‌شان) به تبعیت از آرمان‌ها و اهداف و امکانات اهل خویش شکل می‌گیرد، متقابلاً می‌توانند تجلیگاه و مظهر ارزش‌ها و اصول مورد باور جامعه باشد و بدین ترتیب این اصول و ارزش‌ها را به کسانی که در آن زندگی می‌کنند القا نموده و زمینه تثبیت و تقویت آن‌ها را در ذهن مردم فراهم آورند (نقی‌زاده، 1387، صص 88-89). هنر اسلامی نیز مانند هر هنر دینی دیگری اصل و جوهره‌اش انتقال پیام الهی از طریق واسطه‌های خیالی و حسی هنری است بدون تفکیک اثر هنری از پیام الهی (مددپور، 1387، صص 21). مهم‌ترین شیوه و شگردی که در هنر معماری اسلامی برای پدیدارسازی پیام الهی و سیر از ظاهر به باطن به‌کار گرفته شده، نشانه‌گرایی است. در معماری از آنجا که کالبدها مادی هستند وابسته به زمان و مکان بوده و فقط به‌صورت نشانه‌ای، رمزی و آیه‌ای می‌توانند برای مؤمنان دل‌ادراک معنوی پیدا کنند (نقره‌کار، 1387، صص 611).

چنان‌که گذشت ریتم بی‌پایان قوس‌ها و نقوش مشابهی که هر یک به نحوی به سمت بالا اشاره دارند، جملگی نوعی کشیدگی فضایی را در ذهن متبادر می‌کنند. تزییناتی که از سطوح درب‌ها آغاز می‌شوند و تا بلندای

اینجاست که می‌توان بازتاب مفهوم امت یا یکپارچگی اجتماعی در بین مردم را به‌عنوان اصلی اساسی در برنامه‌ریزی و ساماندهی ساخت محیط اسلامی مشاهده کرد (مرتضی، 1387، صص 95). اصلی که موجب گردید مردمان لافت بی‌آن‌که در پی ساختن بناهای یادمانی باشند، کلیت فضای سکونتی خود را به یادمانی با جلوه‌های زیبای بصری بدل کنند.

در مقیاس بنا

اگر عناصر اصلی واحدهای مسکونی در لافت را که دارای تأثیر بصری بر فضای عمومی هستند؛ بادگیر و پیش‌طاق و درب و سردرب فضای ورودی (تصویر شماره 16) بدانیم به‌کارگیری نقش مایه‌های تزیینی در این سه عنصر را می‌توان سطوح کاریست عناصر تزیینی در مقیاس بنا دانست. تصویر شماره 17 سلسله مراتب دید به عناصر کالبدی یکی از خانه‌های پیرامون مسجد میانی را به نمایش می‌گذارد. در اینجا مطابق میدان دید کلی انسان، کاریست تزیینات در سه مرحله مشخص شده است. در مرحله اول، بادگیر به‌واسطه ابعاد کالبدی و ارتفاع 9/35 متری خود، نخستین چیزی است که از این بنا در معبر عمومی درک می‌شود. در مرحله دوم فضای ورودی، فرم کالبدی و تزیینات به‌کار رفته در آن مشاهده شده و در نهایت با مکث در فضای ورودی، نقوش به‌کار رفته در درب ورودی خانه خود نمای می‌کنند.

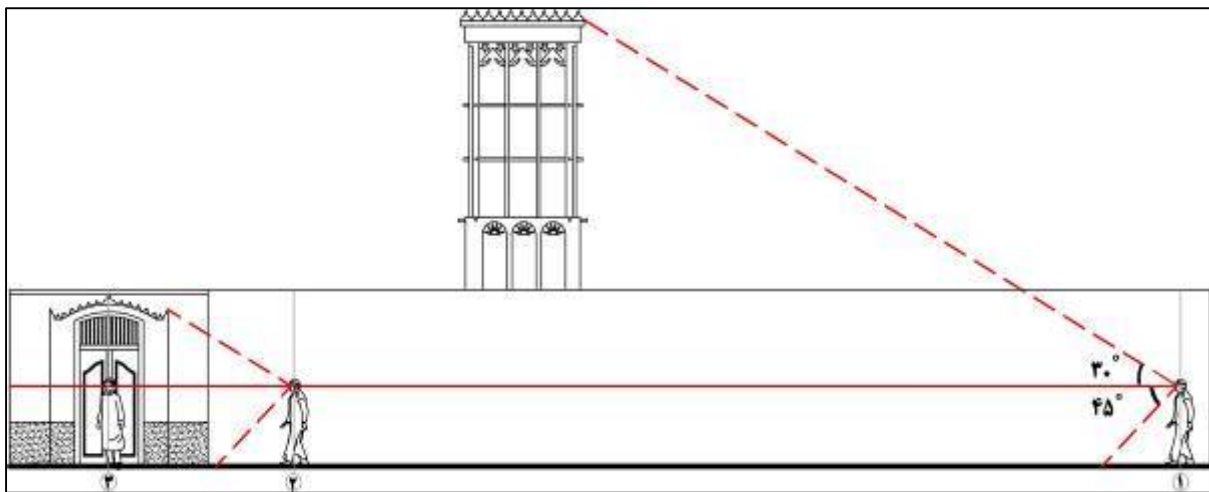
اما آنچه این سیر تسلسلی دید را جالب توجه می‌نماید کاریست تزییناتی مشابه در 3 عنصر بالاست. بادگیر چهارطرفه این بنا دارای ساخت‌های قوسی شکل در ستون، گچ کاری‌های فرمی در دهانه و مقرنس‌هایی بر فراز خود است. فرم کلی فضای ورودی نیز دارای مشابهت‌هایی با عناصر قوسی شکل ستون بادگیر و

اسلامی، اولاً به واسطه پنهان داشتن تمایزات مالی و اجتماعی انسان‌ها و ثانیاً از طریق متذکر شدن آن‌ها به ارزش‌های والای معنوی نظیر تواضع و برابری، نقش تذکردهی خود را ایفا می‌کند.

بادگیرها و منار مساجد ادامه می‌یابند و در آنجا با آسمان پیوند یافته و در یک سیر سلسله مراتبی حرکت از کثرت به وحدت را به نمایش می‌گذارند. بندر لافت همانند سایر سکونتگاه‌های کهن قلمرو



ت 16. تزیینات به کار رفته در مقیاس یک بنا شامل بادگیر، پیش تاق، درب ورودی. منبع: نگارندگان، 1393.



ت 17. سیر تسلسلی دید در گذر اصلی بافت کهن لافت در مقیاس بنا. منبع: نگارندگان.

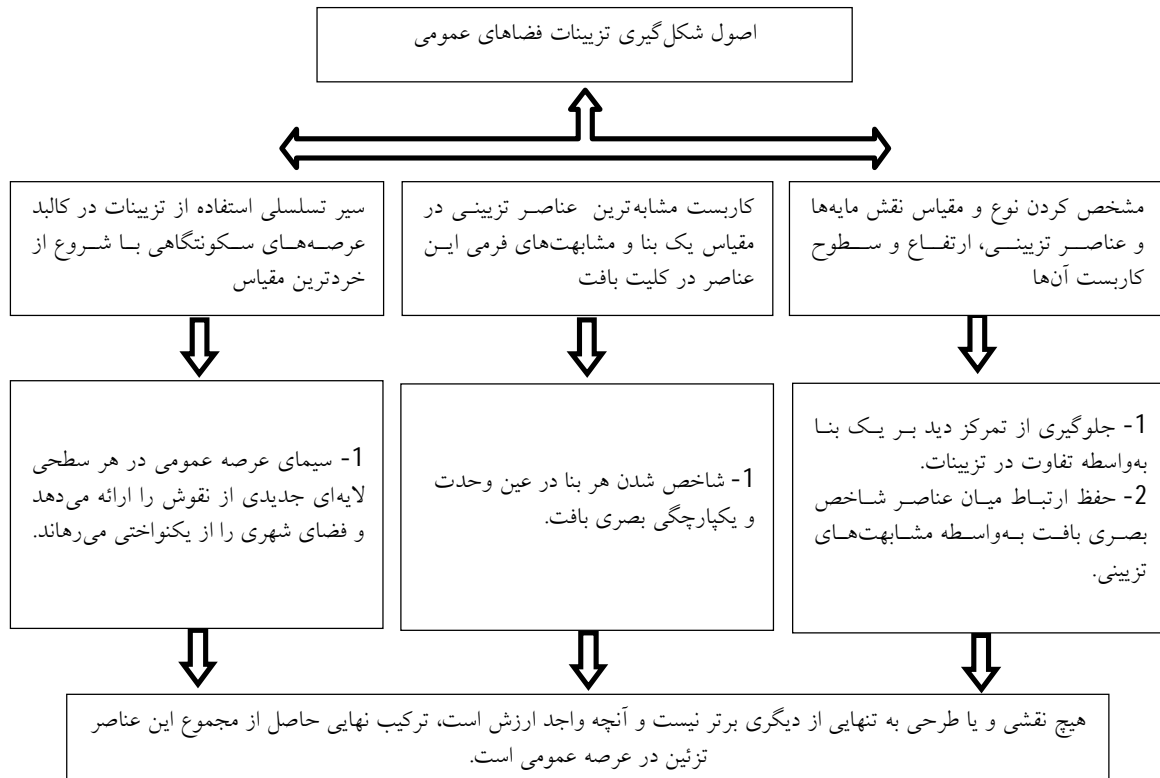
آنچه در این نوشتار آمده گامی است در جهت شناسایی منظر بصری سکونتگاه‌های تاریخی کشور و تأکید بر این نکته که کاربری تزیینات در عرصه سکونتگاهی اسلامی تنها منحصر به پوشش سطوح درونی نبوده و در عرصه عمومی نیز بسط می‌یافته است. در این راستا موارد زیر به‌عنوان نتایج این پژوهش قابل ارائه است:

1. انتخاب و کاربرد نقش‌مایه‌های گیاهی و هندسی در عرصه عمومی بافت کهن بندر لافت در عین مطابقت با اصول دینی، زمینه‌ای را برای رشد نامحدود و سلسله مراتبی طرح‌ها بر عناصر شاخص بصری فراهم کرده است.
2. توجه به قابلیت و محدودیت‌های چشمان انسان در کاربری تزیینات بر سطوح مختلف بافت، چنان‌که در محدوده قد یک انسان بر غنای عناصر تزیین افزوده شده

و در سطوح ارتفاعی بالاتر ابعاد این عناصر جهت درک بهتر افزایش یافته است.

3. استفاده از تزیینات مشابه و خرد مقیاس، علاوه بر جلوگیری از ایجاد شکاف در عرصه اجتماعی و تأکید بر تفاوت‌ها، سبب پیوند عناصر مختلف کالبدی شده و از بافتی با عناصر ساده معماری، ترکیب بصری شگرفی را پدید آورده است.

در نهایت می‌توان به اصول زیر (نمودار شماره 1) به‌عنوان برداشت‌هایی از نحوه کاربری تزیینات لافت جهت ساماندهی سیمای بصری شهرها و روستاهای امروز اشاره کرد. اصولی که جای خالی آن‌ها در طرح‌های شهری و روستایی با وجود ساخت‌وساز و نوسازی‌های پیاپی چیزی را جز اغتشاش بصری برای عرصه سکونتگاهی کشور به ارمغان نیاورده است.



ن 1. اصول پیشنهادی برای ساماندهی تزیینات در جداره‌های شهری. منبع: نگارندگان.

فهرست منابع

- امت علی، عباس. (1383)، بررسی تاریخی و معرفی بندر لافت جزیره قشم، اثر، شماره 36 و 37، صص 136-139.
- بهشتی، سید محمد. (1389)، مسجد ایرانی مکان معراج مومنین، انتشارات روزنه، تهران، چاپ اول.
- دوپولو، پایا. (1368). معماری اسلامی، نشر فرهنگی رجا، تهران، چاپ دوم.
- سلطانزاده، حسین. (1392)، فضاهاى ورودی در معماری سنتی ایران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی تهران.
- گروهی از دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. (1380)، معماری بندر لافت، سازمان منطقه آزاد قشم، تهران، چاپ اول.
- عباس زادگان، مصطفی؛ رضازاده، راضیه. (1380)، طرح هادی بندر لافت.
- لیلیان، محمدرضا؛ مهدیه عابدی؛ آرین امیرخانی. (1392)، جستاری بر شناخت ویژگی‌های ساختاری معماری روستای جزیره قشم (نمونه موردبررسی: روستای لافت)، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 130، صص 22-37.
- مددپور، محمد. (1387)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر اسلامی، انتشارات سوره مهر، تهران، چاپ سوم.
- مرتضی، حشام. (1387)، اصول سنتی ساخت و ساز در اسلام، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- مکی نژاد، مهدی. (1381)، نقش تزیینات در معماری اسلامی - کاشی ایرانی، نشریه کتاب ماه هنر، شماره 45 و 46.
- میشل، جرج. (1388)، معماری جهان اسلام: تاریخ و مفهوم اجتماعی آن، انتشارات مولی، تهران، چاپ دوم.
- نقره کار، سید عبدالحمید. (1387)، درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- نقی زاده، محمد. (1387)، شهر و معماری اسلامی: از تجلیات تا عینیات. تهران: مانی.
- هیل براند، روبرت. (1391)، معماری اسلامی: تهران: مؤسسه چاپ شادرنگ: چاپ ششم.